حادثه‌ها

۲ کشته در تصادف بزرگراه رسالت

● **شرق:** برخورد پژو ۲۰۶ با نرده‌های میانی بزرگراه رسالت دو کشته بر جا گذاشت.

سرهنگ احسان مومنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت، در این‌باره توضیح داد: در ساعت ۱:۱۰ بامداد دیروز یک دستگاه سواری پژو ۲۰۶ با چهار سرنشین به علت رعایت‌نکردن سرعت مجاز و ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه با نرده‌های رفوژ میانی بزرگراه به‌شدت برخورد کرد و پس از شکستن هفت شاخه نرده، به پایه پل عابر پیاده خورد.

این مقام انتظامی بیان کرد: متأسفانه شدت ضربات به حدی بالا بود که دو نفر از داخل خودرو به بیرون پرتاب شدند و در محل حادثه جان خود را از دست دادند.

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت بیان کرد: دو سرنشین دیگر خودرو نیز به‌شدت مصدوم و با مراجعه سریع اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند.

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ به رانندگان توصیه کرد: هنگام رانندگی با سرعت مطمئن حرکت کنند؛ با سرعتی که در صورت هر گونه وقوع خطر بتوانند وسیله نقلیه خود را کنترل کنند و همه سرنشینان خودرو تحت هر شرایطی کمربند ایمنی خود را همواره بسته نگه دارند تا شاهد وقوع چنین حوادث دلخراشی نباشیم.

دستگیری فروشنده گوشی‌های آیفون به جرم اخاذی

● **شرق:** فروشنده گوشی‌های آیفون که با دسترسی به اطلاعات ایمیل و اپل آیدی خریداران از آنان اخاذی می‌کرد، دستگیر شد.

شهروندی ۴۰ساله به پلیس فتا مراجعه کرد و در اظهارات خود، گفت: فرد یا افرادی به ایمیل شخصی‌ام دسترسی پیدا کرده و آن را هک و رمز اپل آیدی گوشی همراهم را تغییر داده‌اند.

شاکی در ادامه گفت: گوشی آیفونم را از مغازه‌ای واقع در میدان شهدا خریداری کردم و فروشنده همان‌جا سیستم اپل آی‌دی آن را فعال کرد بعد از مدتی متوجه قفل‌شدن گوشی همراهم شدم.

سپس پیامکی تهدیدآمیز دریافت کردم و متوجه شدم فرد ناشناسی به همه اطلاعات موجود در گوشی همراهم دسترسی پیدا کرده است.

این شاکی در ادامه اظهار کرد: پس از این اتفاق و ارسال پیامک مجددا فرد ناشناس در فضای مجازی من را به انتشار تصاویر و اطلاعات خانوادگی تهدید و درخواست پول کرد. با این تهدید و ترس از انتشار اطلاعاتم قصد اجابت درخواست او را داشتم ولی می‌دانستم ممکن است متهم از اطلاعات من در جاهای دیگری سوءاستفاده کند و درخواست‌های او به طور مداوم تکرار شود. تصمیم گرفتم موضوع را به پلیس فتای تهران گزارش کنم.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس‌پلیس فتای پایتخت، در این‌باره توضیح داد با توجه به حساسیت موضوع و پیشگیری از انتشار اطلاعات و تصاویر شاکی، تیم فنی و مهندسان پلیس فتا تجسس‌های خود را آغاز و هویت متهم ۳۲ساله را شناسایی کردند.

وی تصریح کرد: در گام بعدی تحقیقات پلیسی معلوم شد متهم همان مغازه‌دار و فروشنده تلفن همراه آیفون میدان شهدا است که به شاکی تلفن آیفون را فروخته است.

رئیس‌پلیس فتا افزود: نتیجه تحقیقات انجام‌شده در اختیار مرجع قضائی دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای قرار داده شد و با دستور قضائی، متهم به پلیس فتا احضار شد و در تحقیقات پلیسی لب به اعتراف گشود و گفت: با برنامه قبلی و انگیزه مالی قبل از فروش گوشی آیفون اقدام به درست‌کردن اپل آی‌دی آن می‌کردم و خریداران هم به خاطر حسن‌اعتماد توجهی به این موضوع نمی‌کردند و چون اطلاعات کمی هم در این زمینه داشتند، به آنان می‌گفتم قبلا از طریق سایت، اپل آی‌دی گوشی را درست و فعال کرده‌ام و دیگر نیازی به راه‌اندازی مجدد نیست.

کاظمی گفت: متهم ادامه داد: به درخواست خریدار یک آدرس ایمیل برایش ساختم سپس به همه اطلاعات وی دست یافتم، در یک لحظه وسوسه شدم از وی اخاذی کنم. گوشی‌اش را قفل و پیامک تهدیدآمیزی را برای وی ارسال کردم. هرگز فکر نمی‌کردم در برابر پلیس فتا قرار گیرم و حال از کرده‌ام خیلی پشیمانم.

سرهنگ کاظمی گفت: پس از اعتراف متهم، پرونده برای ادامه مراحل قانونی به دادسرای مبارزه با جرائم رایانه‌ای ارسال شد.

رئیس‌پلیس فتای پایتخت در پایان به شهروندان هشدار داد: به هیچ عنوان به مکان‌های متفرقه برای درست‌کردن اپل آی‌دی و ایمیل مراجعه نکنید. قبل از خرید این مدل گوشی شخصا برای فعال‌کردن اپل آی‌دی آن از طریق سایت اقدام کنید و در صورت آشنانبودن با ساخت آن به مراکز معتبر و نمایندگی‌های مجاز مراجعه و با آنان مشورت کنید.

افشای راز آدم‌ربایی ساختگی دختر و پسر عاشق

شرق: دختر و پسری جوان که تصور می‌کردند با آدم‌ربایی ساختگی می‌توانند رضایت پدر دختر را برای ازدواج جلب کنند، در نقشه خود ناکام ماندند. به گزارش خبرنگار ما، مردی چندی پیش با مراجعه به پلیس تهران از مفقودشدن دختر خود خبر داد و گفت آدم‌ربایان برای آزادی دخترش یک میلیارد پول نقد درخواست کرده‌اند. این مرد درباره دخترش گفت: عسل در یکی از دانشگاه‌های اطراف تهران دانشجو است و در یک مؤسسه نیز زبان تدریس می‌کند. اخیرا در مؤسسه با پسری به نام حمید آشنا شده بود و قصد داشت با او ازدواج کند، اما من مخالفت کردم و حالا گمان می‌کنم این آدم‌ربایی با مخالفت من در ارتباط است و من به حمید مظنون هستم. با شروع تحقیقات پلیسی مشخص شد حمید آخرین نفری بوده که با دختر جوان تماس داشته است. بنابراین مأموران با اخذ دستور قضائی راهی محل سکونت مرد جوان شدند. مأموران پس از حضور در خانه پسر جوان، عسل را در حالتی عادی و بدون اینکه نشانی از ربوده‌شدن او وجود داشته باشد، پیدا کردند.

به‌این‌ترتیب هر دو نفر آنها به اداره پلیس منتقل شدند. پس از آن، تحقیقات از دختر جوان آغاز شد. او در توضیح ماجرا به کارآگاهان گفت: من و حمید چندی پیش در مؤسسه زبانی که من تدریس می‌کردم با هم آشنا شدیم و با ادامه ارتباطمان حمید ابراز علاقه جدی کرد و در نهایت وقتی صحبت کردیم و به نتیجه قطعی رسیدیم، قرار شد حمید به خواستگاری من بیاید، اما وقتی این اتفاق افتاد، پدرم به دو دلیل با ازدواج ما مخالفت کرد. من ۲۱ سال دارم و حمید ۳۵ ساله است، دلیل اول پدرم اختلاف سنی ما بود و دلیل دوم هم اختلاف سطح مالی حمید و ما بود. پدرم معتقد بود وضع خانوادگی حمید خیلی از ما بهتر است و در آینده ممکن است برای من مشکل‌ساز شود.

این دختر ادامه داد: با وجود مخالفت پدرم، من و حمید با هم ارتباط داشتیم و در نهایت تصمیم گرفتیم ماجرای آدم‌ربایی خیالی را پیش بکشیم. طبق نقشه، من به خانه حمید رفتم و وانمود کردم ربوده شده‌ام و آدم‌ربایان یک میلیارد تومان خواسته‌اند. می‌دانستم پدرم این مبلغ را ندارد که برای آزادی من بپردازد. قرار بود حمید وارد ماجرا شود و با پرداخت یک میلیارد تومان برای نجات من دل پدرم را به دست بیاورد و در نهایت پدرم به ازدواج ما رضایت دهد.

در پی افشای راز این دو جوان که با طرح موضوع آدم‌ربایی قصد داشتند به اهداف عاشقانه خود برسند، مشخص شد جرمی اتفاق نیفتاده است، بنابراین پرونده آدم‌ربایی مختومه شد.

قتل دختر معتاد به دست پدر

شرق: اعتیاد دختر و مسافرت بدون اجازه با نامزدش، پدر او را چنان خشمگین کرد که بعد از یک درگیری دختر را به قتل رساند. پرونده این مرد اکنون به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شده است تا متهم محاکمه شود.

به گزارش خبرنگار ما، این دختر ۲۲ ساله مرداد سال جاری به‌دست پدرش به قتل رسید. پدر این دختر که ۷۲ ساله است، بعد از کشتن فرزندش خود را به مأموران تسلیم کرد و گفت: من دخترم نسترن را کشتم، آن‌قدر خشمگین بودم که نتوانستم خودم را کنترل کنم و از اینکه چنین کاری کردم خیلی پشیمانم.

جسد دختر ۲۲ ساله به دستور بازپرس به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیقات مأموران برای مشخص‌شدن نحوه قتل آغاز شد. پدر دختر به مأموران گفت: دخترم سال‌ها بود به مواد مخدر اعتیاد داشت و شیشه می‌کشید؛ او خیلی پرخاشگر بود هرچه می‌گفتیم ترک کند، قبول نمی‌کرد او مدت‌ها قبل با پسر جوانی به نام نادر آشنا شد و تصمیم گرفت با او ازدواج کند. نادر چند باری به خانه ما آمده بود. برای من تعجب‌آور بود که نادر چرا باید با دختری مثل نسترن که خیلی پرخاشگر است، ازدواج کند، اما به‌هرحال قبول کرده بود و من هم حرفی نزدم. ما با نسترن خیلی درگیری داشتیم. با خودم گفتم مدتی تحمل می‌کنم آنها ازدواج می‌کنند و دخترم سرخانه و زندگی خودش می‌رود و همه‌چیز تمام می‌شود، اما اوضاع آن‌طور که فکر می‌کردم نشد.

متهم به قتل ادامه داد: نسترن و نادر با هم همه‌جا می‌رفتند من به نسترن گفته بودم تا زمانی که عقد نکرده است حق ندارد بیرون از خانه بماند، ضمن اینکه این اواخر متوجه شده بودم نادر هم قصد ازدواج با دخترم را ندارد. پدر نادر مخالفتش را اعلام کرده بود. او هربار ما را می‌دید برخورد بدی می‌کرد، چندباری هم به من گفت این‌دو طوری رفتار می‌کنند که من فکر می‌کنم مواد مصرف می‌کنند. پدر نادر از بچه‌ها حمایت نمی‌کرد و از رفتارش معلوم بود که به این ازدواج

رضایت ندارد و کارهایی هم که نادر می‌کرد نشان می‌داد قصد ازدواج با نسترن را ندارد. به همین دلیل اجازه نمی‌دادم دخترم با نادر به مسافرت برود تا اینکه چند روز قبل از قتل، نسترن به‌طور ناگهانی از خانه رفت و دیگر برنگشت. ما خیلی تلاش کردیم او را پیدا کنیم، اما جواب تلفنش را نمی‌داد. من فکر کردم شاید با دوستانش است و چون مواد کشیده نمی‌خواهد جواب بدهد، اما بعد از چند روز جواب تلفنش را داد و گفت با نادر به سفر شمال رفته است و تا یک هفته هم برنمی‌گردد.

این مرد در ادامه گفت: وقتی دخترم برگشت من خیلی عصبانی شدم و گفتم چرا بدون اینکه به من بگوید به سفر رفته است. من و نسترن دوباره با هم دعوا کردیم و درگیری بالا گرفت. او به‌سمت من حمله کرد و وسایل خانه را شکست و من که دیگر نمی‌توانستم به خشمم غلبه کنم، عصبانی شدم و او را خفه کردم. من از کاری که کردم خیلی پشیمانم اما کنترل خودم را از دست دادم. هشت سال بود که دخترم اعتیاد داشت و زندگی ما در این مدت سیاه شده بود.

مادر نسترن به‌عنوان تنها ولی‌دم این دختر نسبت به شوهرش اعلام گذشت کرد و گفت: من شکایتی ندارم، ما سه فرزند داریم و دو فرزند دیگرمان بچه‌های سربه‌راهی هستند، اما نسترن خیلی اذیتمان می‌کرد. ما خانواده آبروداری هستیم او آبروی ما و بچه‌های دیگرم را برده بود، ما هر کاری برای خوب‌شدن دخترم کردیم؛ او را بستری کردیم اما فرار کرد، پیش دکتر و مشاور بردیم اما همچنان فایده‌ای نداشت، او خودش نمی‌خواست اوضاع تغییر کند هر چند روز یک‌بار یک‌چیز را بهانه می‌کرد و وسایل و شیشه خانه را می‌شکست و مدام به ما خسارت می‌زد، پول می‌خواست که مواد بخرد، اگر به او نمی‌دادیم حمله می‌کرد و ما را هم کتک می‌زد و وسایل خانه را خرد می‌کرد. از وقتی هم با نادر آشنا شد بدتر شده بود؛ می‌گفت نادر اعتیاد ندارد و او هم اعتیادش را ترک می‌کند، اما دروغ می‌گفت چون نادر را هم دیده بودم که چطور با دخترم ساعت‌ها بیرون می‌رفت و برایش مواد می‌خرید. آنها هر دو اعتیاد داشتند، البته شاید نادر اعتیادش کمتر بود؛ ضمن اینکه خانواده نادر هم هرگز دختر ما را به چشم عروسشان نمی‌دیدند. آنها فکر می‌کردند دختر ما برای پسرشان یک سرگرمی است و واقعیت هم همین بود؛ نادر هرگز با دختری که تا این حد اعتیاد داشت، ازدواج نمی‌کرد. ما هم نمی‌خواستیم این وضعیت ادامه پیدا کند چون می‌دانستیم زمانی که نادر، نسترن را ترک کند وضعیت بدی ایجاد می‌شود و دخترمان حالش بدتر می‌شود، اما نسترن فقط ما را مقصر می‌دانست. روز حادثه هم وقتی پدرش معترض شد که چرا به شمال رفته بدون اینکه بگوید، دوباره عصبانی شد و پرخاشگری و فحاشی کرد. وسایل خانه را شکست و به سمت ما پرت کرد. شوهرم کنترل خودش را از دست داد. من نمی‌توانم از شوهرم شکایتی داشته باشم چون او پدر خوبی بود.

بعد از گفته‌های این زن، با توجه به اینکه تنها ولی‌دم پرونده نیز بود، پرونده برای رسیدگی به لحاظ جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و متهم به‌زودی پای میز محاکمه می‌رود.

رخداد

انتقام‌جویی از دختر جوان در فضای مجازی

● فردی که با ایجاد صفحه اینستاگرامی و درج مطالب غیراخلاقی و توهین‌آمیز علیه دختری جوان، موجب آبروریزی و هتک حیثیت وی شده بود، از سوی کارآگاهان پلیس فتا شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ سیدمصطفی مرتضوی، رئیس‌پلیس فتای اصفهان، گفت: در پی شکایت دختری مبنی بر اینکه فردی با درج مطالب غیراخلاقی و توهین‌آمیز و همچنین درج شماره همراه وی در شبکه اجتماعی اینستاگرام باعث آبروریزی و هتک او شده است، بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی افزود: با جمع‌آوری مستندات و ادله الکترونیک و انجام تحقیقات لازم در فضای مجازی به وسیله کارشناسان پلیس، متهم که پسری جوان بود، شناسایی و با هماهنگی دستگاه قضائی در مخفیگاه خود دستگیر شد. این مقام انتظامی بیان کرد: متهم که در مواجهه با مدارک و مستندات پلیس چاره‌ای جز اعتراف نداشت، انگیزه خود را هتک حیثیت شاکی به‌دلیل اختلافاتی که در زمان دانشجویی با خانم جوان داشته است، عنوان کرد.

دستگیری سارق خودرو حین دزدی

● **شرق:** سارقی که در حال سرقت یک دستگاه خودروی سواری بود، به دام مأموران افتاد. سرافراز احمدی، رئیس کلانتری ۱۳۳ شهر زیبا، در این‌باره گفت: مأموران هنگام گشت‌زنی در محدوده بلوار فردوس مشاهده کردند یک پراید کنار پراید دیگری به صورت دوبل پارک شده و راننده خودروی سواری پراید در حال سرقت از صندوق عقب خودروی پارک‌شده در کنار خیابان است. وی افزود: مأموران به‌سرعت برای دستگیری متهم وارد عمل شدند و دستور ایست دادند ولی سارق به صورت پیاده از محل گریخت.

سرکلانتر محله شهر زیبا بیان کرد: پس از مدتی تعقیب و گریز سارق دستگیر شد و به محل سرقت برای تحقیقات تکمیلی منتقل و در همان محل مالک خودروی سواری شناسایی شد.

احمدی بیان کرد: مأموران در شاخه دیگری از تحقیقات پلیسی پلاک انتظامی خودروی پراید متهم را استعلام کردند که مشخص شد این خودرو شب قبل در همین محدوده به سرقت رفته است.

رئیس کلانتری ۱۳۳ شهر زیبا افزود: سارق به همراه خودروی سرقتی برای تحقیقات تکمیلی و کشف سایر جرائم مشابه به کلانتری منتقل شد.

محاکمه جوانی که دوست پدرش را کشت

شرق: پسر جوانی که در اعتراض به موادکشیدن پدر و دوست پدرش با آنها درگیر شده و دوست پدرش را به قتل رسانده است، در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار ما، این قتل یک سال قبل اتفاق افتاد. متهم بلافاصله بعد از اینکه ضربه را بر بدن مقتول وارد کرد، او را به بیمارستان رساند، اما فایده‌ای نداشت و آن مرد جانش را از دست داد.

متهم جوان با توجه به اعتراف خودش بازداشت شد. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: پدرم اعتیاد شدید دارد. او جوانی را به خانه آورده بود و با هم مواد مصرف می‌کردند. آنها در حال تعمیر یک موتور هم بودند. من از اینکه پدرم خانه را پاتوق کرده بود خوشم نمی‌آمد. به پدرم اعتراض کردم. با هم جروبحث کردیم و بعد من سوار موتور خودم شدم و از خانه بیرون رفتم. البته قبل از خروج از منزل به پدرم هم گفتم هرچه زودتر بساط را جمع کند، چون همسایه‌ها شکایت می‌کنند. متهم ادامه داد: چند ساعت بعد برگشتم و دیدم همچنان پسر جوان آنجا نشسته و همراه پدرم مواد می‌کشند و موتور هم تعمیر می‌کنند. صدای زیادی ایجاد شده بود، گفتم همسایه‌ها شکایت می‌کنند، این کارها را نکنید. پسر جوان به من معترض شد. گفتم از خانه ما بیرون برو، توجهی نکرد و بیشتر فحاشی کرد، من هم عصبانی شدم و با او درگیر شدم.

پسر جوان با چاقو به من حمله کرد و یک ضربه هم به من زد. من هم یک ضربه به او زدم. ضربه‌ای که او زده بود صدمه شدیدی ایجاد نکرد، اما ضربه من کشنده بود. با اینکه بلافاصله به بیمارستان رفتیم، اما او جانش را از دست داد. پرونده با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد. روز گذشته متهم پای میز محاکمه رفت. در ابتدای جلسه رسیدگی، اولیای‌دم برای قاتل فرزندشان درخواست قصاص کردند. در ادامه، متهم در جایگاه قرار گرفت.

او گفت: از اتفاقی که افتاده است پشیمان هستم، اما واقعیت این است که من قصد کشتن نداشتم و مقتول چون با چاقو به سمتم حمله کرد و مرا زد، من هم یک ضربه به او زدم که باعث مرگش شد. ممکن بود ضربه‌ای که او زده بود باعث مرگ من شود. متهم درباره اینکه چاقو را از کجا آورده بود، گفت: دفعه قبل که داشتم از خانه خارج می‌شدم میان وسایل پدرم یک چاقو دیدم و از آن خوشم آمد و برداشتم. آن را برای درگیری برنداشته بودم و اگر مقتول به سمتم حمله نمی‌کرد، او را نمی‌زدم. این جوان در ادامه گفت: من خودم هم اعتیاد داشتم، اما معتاد آبروداری بودم و نمی‌خواستم اتفاقی بیفتد و همسایه‌ها از ما شکایت کنند.

بعد از گفته‌های متهم و وکیل‌مدافع او، قضات یک‌بار دیگر از اولیای‌دم سؤال کردند آیا بر درخواست خود درباره قصاص پافشاری دارند؟ اولیای‌دم از دادگاه یک ماه فرصت خواستند تا درباره درخواستشان فکر و بعد تصمیم خود را به دادگاه اعلام کنند. به‌این‌ترتیب ادامه رسیدگی به پرونده به یک ماه آینده و پس از بیان درخواست از سوی اولیای‌دم موکول شد.

پنج قاره

مردی با ۱۵ گلوله در بدنش با پای خود به بیمارستان رفت

● مردی زخمی با ۱۵ جراحت ناشی از تیراندازی با پای خود به بیمارستان رفت. این فرد در یک حادثه تیراندازی در فیلادلفیای ایالات متحده آمریکا زخمی شد. پلیس در صحنه تیراندازی، ۲۳ پوکه فشنگ را کشف کرد. بازرس ارشد پلیس گفت: این مرد فقط وارد بیمارستان شد اما نتوانست حرفی بزند. وی گفت اکنون او در شرایط بحرانی قرار دارد، اما زنده می‌ماند.

تیراندازی مرگ‌بار در خانه‌ای در کالیفرنیا

● مقامات پلیس محلی کالیفرنیا از کشته‌شدن سه نفر در حادثه تیراندازی در یک خانه مسکونی خبر دادند. این حادثه سه‌شنبه‌شب در خانه‌ای در منطقه «لانگ‌بیچ» ایالت کالیفرنیا رخ داد که علاوه بر مرگ این سه نفر، به زخمی‌شدن ۹ نفر دیگر نیز منجر شد. هنوز هیچ اطلاعی درباره مظنون حادثه در دست نیست و کسی نیز در این‌باره دستگیر نشده است.

سرقت نیم میلیون یورویی از فروشگاه لباس

● سارقان با حمله به یک فروشگاه پوشاک در پاریس تعدادی کت پوست خز واقعی به ارزش تقریبی ۵۰۰ هزار یورو را سرقت کردند. این دزدان حرفه‌ای با حفر یک تونل به زیرزمین فروشگاه رسیدند و پس از تخریب کف فروشگاه وارد آن شدند. آنها در حالی موفق به سرقت کت‌های بسیار گران‌قیمت فروشگاه شدند که همه این اجناس به دزدگیرهای مخصوص پوشاک مجهز بودند. پلیس شهر پاریس تحقیقات در این زمینه را آغاز کرده است.